# نشانه‌های اهل تسلیم از نظر قرآن

علی جواهردهی

**انقیاد و فرمانبرداری از کسی، نشانه‌هایی دارد که می‌توان از آن نشانه‌ها دانست چه کسی منقاد و مطیع و چه کسی اهل تسلیم نیست؟ وقتی کسی مدعی اسلام است، در حقیقت بر این باور اســـت که در برابر خدا تسلیم و سرسپرده است. به ایـــن معنا که خود را به او واگذار کرده و اجازه می‌دهد تا هر تصمیمـــی را برایش بگیرد و او نیز مطیع و منقاد آن تصمیم بوده و از آن اطاعت می‌کند.**

**از نظر آموزه‌های قرآن، تسلیم در برابر خدا، همان طوری که نشانه‌هایی دارد، آثاری دارد که توجه به آنها می‌تواند فلسفه و سبک زندگی انسان را دگرگون کند. در نوشتار حاضر به این نشانه‌ها و آثار اشاره خواهیم کرد.**

***

## اهمیت و ارزش تسلیم در برابر خدا

واژه تسلیم و اسلام از ریشه سلم است. از همین ریشه می‌توان به واژه سلام نیز توجه داشت که یکی از نام‌های خدا سلام است.(حشر، آیه ۲۳) چنانکه یکی از نام‌های بهشت نیز دارالسلام است.(انعام، آیه ۲۷) همچنین از نظر قرآن، سلام برای اهل هدایت است(طه، آیه ۴۷) و کســـی که در سه منزل به سلامت باشد، در همه حال به سلامت خواهد بود. (مریم، آیه ۳۳) البته در آموزه‌های دستوری قرآن، سلام به عنوان آغاز ارتباط در معاشـــرت‌های اجتماعی مطرح شده است. (هود، آیه ۶۹؛ فرقان، آیه ۶۳)

اما واژه تسلیم به معنای سلام کردن(احزاب، آیه ۵۶)، سالم نگه داشـــتن(انفال، آیه ۴۳)، واگذاری چیزی به دیگری، انقیاد، اطاعت، فرمانبرداری و سرسپردگی آمده است.(نساء، آیه ۶۵؛ احزاب، آیه ۲۲)

اســـلام دینی الهی است که انســـان را با خدای سلام هماهنگ می‌کند و ســـلامت را برایش تضمین می‌کند. البته اسلام زمانی این تاثیر را خواهد گذاشـــت که شخص به عنوان مسلمان سر تعظیم و تســـلیم در برابر خدا و آموزه‌های دستوری او فرود آورد؛ زیرا ایمانی موجب امنیت می‌شود که همراه با بهره‌مندی از اسلام به عنوان هدایت تشریعی الهی و تسلیم در مقام عمل و اطاعت باشد.(آل عمران، آیه ۱۰۲؛ نساء، آیه ۱۲۵؛ یونس، آیه ۸۴)

تسلیم در برابر خدا به معنای تسلیم در برابر پیامبران و اطاعت از ایشان بدون جداسازی و تفرقه نسبت به آنان است؛ زیرا آنان همان دین الهی و هدایت تشریعی را بیان می‌کنند و مردم را به اطاعت از خدا می‌خوانند تا ایشان به عبودیت حقیقی و آثار و پیامدهای نیک آن در دنیا و آخرت دست یابند.(آل عمران، آیات ۱۹ و ۸۴ و ۸۵؛ بقره، آیه ۱۳۶)

خدا در قرآن بیان می‌کند همه هستی به شکل تکوینی تسلیم خدا هستند(آل عمران، آیه ۸۳)؛ زیرا منظور از اسلام یعنی همان «أسلم» در آیه شریفه، اسلام تکوینی است که تمام موجودات در مقام آفرینش نسبت به امر الهی دارند. (المیزان، ج۳، ص۳۳۶) با این همه این انسان و جن است که به سبب داشتن اراده، حق انتخاب آزاد دارند که اسلام آورده و تسلیم شوند، یا بر خلاف آن عمل کنند که البته هر انتخابی پیامدهایی دارد که شخص می‌بایست در هنگام انتخاب به آن توجه کند و تسلیم در برابر اسلام به معنای سعادت دین و دنیا و مخالفت به معنای شقاوت ابدی و افتادن در دوزخ آتشین و عذاب‌های آن است. (بقره، آیات ۲۰۸ تا ۲۱۰ و ۲۵۶؛ حاقه، آیات ۳۰ تا ۳۲؛

به سبب همین حق انتخاب و پیامدهای اجتناب ناپذیر آن است که پیامبران سفارش می‌کردند که تسلیم خدا شده و به اسلام ایمان آورده و عمل کنند(بقـــره، آیات ۱۳۰ و ۱۳۲؛ مجمع‌البیان، ج۱-۲، ص۳۹۸-۳۹۹) و از خدا نیز بخواهند تا اســـلام را برای آنان رقم زند و با اســـلام و تســـلیم در برابر خدا بمیرند.(بقره، آیات ۱۲۷ و ۱۲۸؛ یوسف، آیه ۹۹؛ اعراف، آیه ۱۲۶)

## نشانه‌های تسلیم در برابر خدا

تسلیم به معنای انقیاد و اطاعت امری درونی و باطنی است که با نشانه‌هایی در عمل و خارج همراه است و این گونه انسان می‌فهمد که در برابر خدا تسلیم است یا مدعی تسلیم یا حتی مخالف آن. از جمله مهم‌ترین نشانه‌های تسلیم در برابر خدا می‌توان به موارد زیراشاره کرد:

**۱. بیان کلامی تسلیم:** شخص اگر مدعی اسلام و تسلیم در برابر خداست، نباید از اینکه در برابر خدا تسلیم است، بیمی داشته باشد، بلکه باید آن را اعلان کند. البته در بیان تسلیم خویش حتی جزئیاتی از اموری را بیان کند که خود گواه روشـــنی در تســـلیم در برابر خدا است. در قرآن آمده است: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ؛ بگو : در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان اســـت که او را شریکی نیست و بر این کار دستور یافته ام و من نخستین مسلمانم.(انعام، آیات ۱۶۲و ۱۶۳) در این آیه بصراحت به پیامبر دســـتور داده می‌شـــود تا تسلیم بودن خویش را علنی کند و به دیگران اعلان نماید. البته اینکه خود را اول مسلمان می‌نامد در حالی که پیامبران و مومنان از آدم (ع) مســـلمان بودند، می‌تواند ناظر به عالم ذر باشد که در این صورت مراد اول رتبی است نه اول زمانی؛ چنانکه از روایات به دســـت می‌آید که حتی فرشتگان از ایشان دین را آموختند:

مفضل گفت: به مولایمان حضرت صادق(ع) عرض کردم: شـــما قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین چه بودید؟ فرمود: ما انواری بودیم که خدا را تسبیح و تقدیس می‌کردیم تا خداوند ملائکه را آفرید و به آنها فرمود: تســـبیح کنید! گفتند: خدایا ما نمی‌دانیم! آنگاه خداوند به ما (اهل‌بیت) فرمود: تسبیح کنید! ما تسبیح نمودیم و ملائکه از تسبیح ما (اهل‌بیت) تسبیح نمودند. ما نور آفریده شدیم و شیعیان ما از شعاع این نور خلق شده‌اند و به همین جهت شیعه نام گرفته‌اند.(مسعودی، علی بن حســـین، اثبات الوصیهٔ، ص۱۵۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج۱۵، ص۲۱، ح۲۴، باب بدء خلقهم.)

**۲. اقامه نماز:** شـــاید هیچ عمل عبادی در اسلام همچون نماز نباشـــد که بیانگر تسلیم محض در برابرخدا باشد. (انعام، آیات ۷۱ و ۷۲) بنابراین، کسی که اهل تسلیم در برابر خداست، اهل اقامه نماز اســـت؛ چرا که نماز مرز اسلام و کفر است. بر همین اساس نزد همه پیامبران و در همه شرایع نماز به عنوان نشانه تسلیم مطرح بوده است.

**۳. ایمـــان:** ایمان از نظر آموزه‌هـــای وحیانی، از مصادیق عمل است؛ زیرا زمانی ایمان شکل می‌گیرد که قول و فعل به هم آمیخته باشد و شخص با اعلان زبانی به شهادتین و عمل رفتاری، به تصدیق امری می‌پردازد که در دل دارد. از همین رو یکی از نشانه‌های تسلیم در برابر خدا، ایمان دانسته شده است.(مائده، آیه ۱۱۱) ایمان به هر چیزی که خدا بر بشر نازل کرده و اصل نبوت و رسالت و امور دیگر غیبی نیز از مصادیق تسلیم است.(بقره، آیه ۱۳۶؛ آل عمران، آیه ۸۴)

**۴. تقوای الهی:** هر کســـی که در برابر خدا تســـلیم است، اهل تقوای الهی نیز می‌باشـــد؛ زیرا تقوای الهی به معنای هر آن چیزی اســـت که انســـان را به خدا نزدیک می‌کند و از خشم و انتقام او در امان نگه می‌دارد. (انعام، آیات ۷۱ و ۷۲)؛ تســـلیم، حالتی درونی و تمکینی نفسانی است. بنابراین امر به تقوا و اقامه نماز در پی دستور به تســـلیم و اسلام می‌تواند به جلوه‌های بیرونی این حالت درونی و نفسانی‌اشاره داشته باشد.

**۵. اجتناب از شرک:** مقتضای تسلیم در برابر خدا، تبری از غیر خدا و بویژه شرک و انواع و اقسام آن است. بر این اساس، اهل تسلیم هرگز شرک نمی‌ورزند.(بقره، آیه ۱۳۳؛ انعام، آیات ۱۶۱ و ۱۶۳؛ نحل، آیه ۱۲۰) از جمله مصادیق شرک آن است که شخص به علل و اسباب به شـــکل مستقل نگاه کند و برای آن تاثیر مستقل یا در عرض خدا قائل شود؛ مانند اینکه بگو که پزشک و دارو مرا درمان کرد.(یوسف، آیه ۱۰۶؛ روایات تفسیری ذیل آیه)

**۶. توکل:** اهل تسلیم، اهل توکل به خدا نیز هستند؛ زیرا می‌دانند که همه هستی تحت مشیت حکیمانه او اداره و تدبیر می‌شود، بنابراین می‌بایست در هر کاری و امری به خدای یکتا و یگانه توکل و اعتماد کنند. (آل عمران، آیه ۱۰۲)

**۷. تسلیم در برابر پیامبر(ص):** کسی که اهل تسلیم در برابر خداست، در برابر پیامبر(ص) و احکام و حکومت او نیز تسلیم است؛ زیرا این امر یکی از نشانه‌های اهل تسلیم از نظر قرآن است و اطاعت از خدا و تســـلیم در برابر او در اطاعت و تسلیم در برابر پیامبر(ص) معنا و مفهوم عینی می‌یابد.(نساء، آیات ۶۵ و ۶۶)

**۸. رضایت به قضا و قدر الهی:** اینکه خدا به پیامبرش دستور می‌دهد تا بگوید که حیات و ممات من دست اوست(انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳) به این معناســـت که اهل تسلیم و اسلام در برابر قضا و قدر الهی تســـلیم بوده و بدان رضایت می‌دهند. جابربن عبدالله انصاری، که از اصحاب رســـول الله (صلی الله علیه وآله) بوده و توفیق ادراک چند امام معصوم را داشته است، در محضر امام محمدباقر(ع) نشسته بود. حضرت از او پرسیدند: «کیف اصبحت یا جابر؟» عرض می‌کند: أصبحت والموت أحـــب الی من الحیاهٔ والفقر أحب الی من الغنی و المرض أحب الی من الصحهٔ؛ ای پسر رسول الله، من به جایی رسیدم که دیگر مرض را بیشـــتر از صحت دوست دارم؛ فقر را بیشتر از غنا دوســـت دارم. حضرت به جابر فرمودنـــد: «ان قدرت لی الحیاهٔ فهی أحـــب الی و حین یقـــدر الموت فالموت احب الی و ان قدر لی الفقر فالفقر احب الی و ان قدر لی الغنی فهو احب الی و ان قدر لی المرض فو أحب الی و ان قدرت الصحهٔ فهی أحب الی؛ ولی ما اهل بیت این طور نیستیم؛ ما هر چه را که خدا دوست دارد، آن را دوست داریم؛ اگر به ما فقر بدهد، فقر را دوســـت داریم و اگر هم غنا بدهد، آن را دوست می‌داریم.»(خواجه نصیر الدین طوسی، اخلاق محتشمی، باب ۱۱، ص ۱۱۲، ح ۲۳) به قول باباطاهر:

یکی درد و یکی درمان پسندد
یکی وصل و یکی هجران پسندد
من از درمان و درد و وصل و هجران
پسندم آنچه را جانان پسندد

اهل تسلیم این گونه در برابر حوادث روزگار تسلیم محض است؛ بنابراین یکی از مصادیق تســـلیم در برابر خداوند، همان رضایت در برابر قضا و قدر الهی اســـت. حضرت اباعبدا...الحسین(ع) با آن همه ناراحتی و حوادث تلخ، وقتی زبان به سخن می‌گشاید، در مقام رضا و تســـلیم به قضا و قدر الهی عرضه می‌دارد: «الهی، رضاً بقضائک و تسلیماً لامرک لامعبود سواک یا غیاث المستغیثین؛ الهی به قضای تو راضی و در برابر فرمانت تسلیم هستم، جز تو مرا معبوی نیست، ای فریاد رس فریادرسان!»(مقتل مقرم، ص ۳۵۷)

## آثار تسلیم در برابر خدا

هـــر چند کـــه در بحث اهمیت و ارزش تســـلیم در برابر خدا به گوشه‌ای از آثار آن پرداخته شده است؛ اما در اینجا برای بهتر روشن شـــدن ارزش و اهمیت تســـلیم در برابر خدا، دیگر آثار تسلیم بیان می‌شود تا گرایش انسان به تسلیم ارادی و آزاد در قالب اطاعت مطیعانه معلوم شود. برخی از مهم‌ترین آثار تسلیم در برابر خدا عبارتند از:

**۱. آرامش و امنیت:** کســـی که در برابر خدا فرمانبردار و تسلیم اســـت، به آرامش مطلقی دست می‌یابد که نه از گذشته اندوهگین می‌شـــود و نه نسبت به آینده در بیم و هراس است.(بقره، آیه ۱۱۲) شکی نیست که کسب چنین آرامشی یکی از دو عنصر و مولفه سعادت است که آسایش عنصر دوم آن را تشکیل می‌دهد.

**۲. اجر و پاداش خاص الهی:** اهل تسلیم از اجر و پاداش خاص الهی در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند. این پاداش افزون بر رحمت رحمانی اســـت که بر همگان جاری و ساری است، بلکه از مصادیق رحمت رحیمی و خاص اســـت که تنها اهل تســـلیم از آن برخوردار می‌شوند، از همین رو خدا به صراحت از «اجر» برای این افراد سخن به میان می‌آورد تا نشان دهد که این پاداش برای اهل تسلیم، پاداشی خاص اســـت.(بقره، آیه ۱۱۲) البته خدا در آیات دیگر از اجر عظیم برای اهل تســـلیم نیز ســـخن به میان آورده است.(نساء، آیات ۶۶ و ۶۷؛ احزاب، آیه ۳۵)

**۳. رسیدن به مقام صالحان:** کسی که اهل تسلیم است، امید است که به مقام صالحان دست یابد (بقره، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱؛ یوسف، آیه ۱۰۱) و از آثار و برکات آن بهره‌مند شود که از جمله آنها وراثت در زمین(انبیاء، آیه ۱۰۵) و بهشت الهی در آخرت است.

**۴. بشـــارت الهی:** خدا در قرآن به اهل تسلیم و اسلام بشارت داده تـــا از نعمت‌های خاص الهی در دنیـــا و به‌ویژه آخرت بهره‌مند شوند. (نحل، آیات ۸۹ و ۱۰۲) از نظر علامه طباطبایی، «مسلمین» کسانی‌اند که تسلیم حکم خداوندند و اعتراض و چون و چرایی ندارند. (المیزان، ج۱۲، ص۳۴۷)

**۵. بهره‌مند از حســـنات الهی:** اهل تسلیم از حسنات خاص الهی در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. (نحل، آیات ۱۰۲ و ۱۲۲)

**۶. مغفرت:** مغفرت الهی که به معنای پوشش و بخشش است برای کسانی از جمله اهل اسلام و تسلیم ثابت است و خدا در قرآن به این اثر تسلیم اشاره دارد. (احزاب، آیه ۳۵) بویژه که آنان همه‌جانبه در برابر خدا و احکامش تسلیم هستند(نساء، آیات ۶۶ و ۶۷)؛ چون مقصود از موصول «ما یوعظون» اوامر الهی است. (مجمع‌البیان، ج۳-۴، ص۱۰۹)

**۷. هدایت خاص پاداشی:** همه موجودات از جمله انسان از هدایت عام تکوینی و فطری بهره‌مند هستند(طه، آیه ۵۰۹) اما از نظر قرآن، اهل تسلیم از هدایت خاص پاداشی بهره‌مند می‌شوند و خدا در قالب الهام آنان را به راه راست هدایت و رهنمون می‌سازد.(نحل، آیات ۱۲۰ و ۱۲۱؛ بقره، آیه ۱۳۶ و ۱۳۷؛ آل عمران، آیه ۲۰؛ نساء، آیات ۶۶ و ۶۸)

**۸. تثبیـــت ایمان با هدایت خاص قرآنی:** اهل تســـلیم همچنین با هدایت خاص از جمله هدایت قرآنی به تثبیت می‌رسند و ثبات وجودی در راه حق می‌یابند.(نحل، آیه ۱۰۲)

**۹. توفیق الهی:** اهل تســـلیم و اســـلام به ســـبب همین فرمانبرداری محض و سرسپردگی به خدا، به توفیق الهی از آزمون‌ها و ابتلائات الهی سر بلند بیرون می‌آیند و از مواهب و پاداش‌های خاص بهره‌مند می‌شوند.(صافات، آیات ۱۰۱ تا ۱۰۶)

**۱۰. بهره‌مندی از خیر:** از نظر قرآن تسلیم در برابر خدا و پیامبر(ص) به معنای بهره‌مندی از خیر اســـت که مصداق اتم و اکمل آن بهشـــت و رضایت الهی است.(نساء، آیه ۶۶؛ اعلی، آیه ۱۷)

**شـــاید هیچ عمـــل عبادی در اســـلام همچون نماز نباشـــد که بیانگر تسلیم محـــض در برابرخدا باشـــد. بنابراین، کسی که اهل تسلیم در برابر خداست، اهل اقامه نماز اســـت؛ چرا که نماز مرز اسلام و کفر است. بر همین اساس نزد همه پیامبران و در همه شـــرایع نماز به عنوان نشـــانه تسلیم مطرح بوده است.**

**یکی از مصادیق تســـلیم در برابـــر خداوند، رضایـــت در برابر قضا و قدر الهی اســـت. حضرت اباعبدا...الحســـین(ع) بـــا آن همـــه ناراحتی و حـــوادث تلخ، وقتی زبان به ســـخن می‌گشـــاید، در مقـــام رضا و تســـلیم بـــه قضا و قـــدر الهی عرضه مـــی‌دارد: الهـــی به قضای تـــو راضی و در برابر فرمانت تســـلیم هســـتم، جـــز تو مرا معبـــوی نیســـت، ای فریاد رس فریادرســـان!»**

**کسی که در برابر خدا فرمانبردار و تسلیم اســـت، به آرامش مطلقی دست می‌یابد که نه از گذشته اندوهگین می‌شود و نه نســـبت به آینده در بیم و هراس است. شکی نیســـت که کسب چنین آرامشی یکی از دو عنصر و مولفه سعادت است که آسایش عنصر دوم آن را تشکیل می‌دهد.**

## با خورشید انقلاب
### (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

### تکریم فوق‌العاده قاریان نوجوان

در جلســـه‌ای که اکثر قاریان مشـــهور قرآن حضور داشتند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دســـتور دادند نوجوانان قرآن بخوانند و صدایشـــان را نیز ضبط کنند. بچه‌ها یکی پس از دیگری قرآن خواندند. آقای منصوری نیز در آن جلسه سوره حمد را با صدای عبدالباسط و با یک نفس قرائت کرد. آقا ایشان را خیلی تشویق کردند و به رســـم یادبود یک سکه بهار آزادی به آقای منصوری هدیه دادند.

ســـپس آقا فرمودند: بزرگ‌ترها نیز قـــرآن بخوانند. یکی از دوســـتان بلند شـــد و ضبط را مقابل قاری گذاشت، چون نوار تمام شده بود ایشان نوار را برگرداند تا قرائت آنان را روی قرائت قاریان نوجوان ضبط کند، آقا سریع تذکر دادند و ایشان را از این کار بازداشتند. آن شخص عرض کرد: آقا این نوجوانان که قاری نیســـتند، اگر قرار است قرائت فردی ضبط شود باید از استادان این رشته باشد. آقا فرمودند: آن نوار را نزد من بیاورید. سپس نوار را گرفتند و فرمودند: ما سالیان سال صدای بزرگ‌ترها را شنیده ایم، اما این نوجوانان را کمتر می‌بینیم، نوار اینها را داشته باشیم بهتر اســـت. به این ترتیب آقا نگذاشـــتند صوت نوجوانان، پاک شود. از دیدن این صحنه نوجوانان خیلی تحت تاثیر قرار گرفتند.

*آقای ســـید مجتبـــی ســـادات فاطمی (مشـــهد)، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

### بی نظیر بوتو و درخواست شفاعت از آقا

خانم بی‌نظیر بوتو که خدمت مقام عظیم الشان ولایت آمده بود، ما نســـبت به حجاب ایشـــان ایراد گرفتیم و حتی چادری برایشان پیدا کردیم و ایشان چادر به سر خدمت آقا رسید. آقا از همان اول در مقام نصیحت برآمدند و فرمودند: دخترم، تو فرزند اسلام هســـتی، تو فرزند امیرالمؤمنینی، تو فرزند اهل بیتی، تو فرزند قرآنی، تو مسلمانی، تو شیعه هستی.

همین طور آقا ادامه دادند و کاری کردند که خانم بی‌نظیر بوتو شروع به‌گریه و زاری کرد و در حالی که‌گریه می‌کرد، می‌گفت: یک خواهش دارم و آن اینکه روز قیامت مرا شـــفاعت کنید. آقا بلافاصله فرمودند: «شفاعت مخصوص محمد و آل محمد است. بهترین شـــفاعت در این دنیا این است که شما مشی و مرامتان را با اهل بیت(ع)هماهنگ کنید. از زی خودتان که مســـلمانید، دست برندارید و از لباس دین خارج نشوید.

*حجهٔ‌الاسلام والمسلمین موسوی کاشانی (از اعضای بیت - تهران)، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

## حکایت اهل راز

### نسیه داده می‌شود، حتی به شما!

مرحوم میرزا احمد نهاوندی معروف به مرشد چلویی که در کنار بازار جامع تهران چلوکبابی داشـــت، از خوبان تهران در این سال‌های اخیر بود. دیوان شعری به نام سوخته دارد. مرشد چلویی همان اســـت که این بیت معروف را گفته اســـت: من غم و مهر حسین با شیر از مادر گرفتم / روز اول کامدم دستور تا آخر گرفتم

روزی مرحوم مرشـــد چلویی معروف خدمت جناب شـــیخ رجبعلی خیاط رســـید و از کســـادی بـــازارش گله کرد و گفت: داداش! این چه وضعی است که ما گرفتار آن شدیم؟ دیر زمانی وضع ما خیلی خوب بود روزی سه چهار دیگ چلو می‌فروختیم و مشتری‌ها فراوان بودند، اما یک‌باره اوضاع زیر و رو شده مشتری‌ها یکی یکی پس رفتند، کارها از سکه افتاده و اکنون روزی یک دیگ هم مصرف نمی‌شود...؟ شیخ تأملی کرد و فرمود: «تقصیر خودت است که مشتری‌ها را رد می‌کنی»! مرشد گفت: من کسی را رد نکردم، حتی از بچه‌ها هم پذیرایی می‌کنم و نصف کباب به آنها می‌دهم. شیخ فرمود: «آن سیّد چه کسی بود که سه روز غذای نســـیه خورده بود؛ بار آخر او را هُـــل دادی و از در مغازه بیرون کردی؟!» مرشد سراســـیمه از نزد شیخ بیرون آمد و شتابان در پی آن سیّد راه افتاد، او را یافت و از او پوزش خواست(و دلجویی کرد) و پـــس از آن تابلویی بر در مغازه‌اش نصب کرد و روی آن نوشت: «نسیه داده می‌شود، حتی به شما، وجه دستی به اندازه وسعمان پرداخت می‌شود!!

* مسعود عالی ، قیامت و حشر ، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

# قـرآن و محافل مخـفی توطـئه‌گران

مروری در تعالیم قرآن نشان می‌دهد که جریانی چون جریان نفاق و نفوذ، همواره در اجتماع مســـلمانان درصدد توطئه هستند؛ همان کسانی که قلب‌هایشان با دشمنان و زبانشان تند و تیزتر به نفع اسلام است و حتی به پیامبر(ص) نیـــز اعتراض می‌کنند که باید عدالـــت را رعایت کند و به تعبیری کاتولیک‌تر از پاپ هســـتند. اینان به ظاهر تابعیت اســـلامی دارند، ولی در حقیقت تابعیت کافران پذیرفته‌اند؛ یعنی با آنکه در میان شـــما هســـتند، ولی قلب‌هایشان با دشمنان شما است و هرگاه بستر آماده باشد به آنجا می‌روند و بدان‌ها می‌پیوندند.(مائده، آیه ۵۲)

آنان در محافل مخفی و زیرزمینی خویش با بهره‌گیری از همه ابزارهای نهان‌کاری و نهان‌سازی تلاش می‌کنند تا اخبار و اطلاعات‌شان نشر نیابد و کسی از اعمال و کرده‌هایشان آگاه نشود. این‌گونه است که از شیوه «تجوا» بهره می‌گیرند که مخفی‌ترین شیوه ارتباط با یکدیگر است. در آنجا عقاید نهان خویش را برای یکدیگر آشکار می‌کنند(اسراء، آیه ۴۷) و برای مدیریت امت اسلام و پیشبرد اهداف پلید خویش برنامه کاری تهیه کرده و به سیاست‌ورزی و سیاست‌سازی رو آورده و در یک جنگ ترکیبی نرم و سخت تلاش می‌کنند تا به مومنان آســـیب وارد سازند و بستری برای تخریب روحیه ایمانی و رویه اســـلامی آنان فراهم کنند و زمینه ایجاد دلســـردی و اندوه و حزن مومنان را به وجود آورند و شـــیوه‌های عصیان و مخالفت علیه رهبری جامعه را تهیه و تنظیم و ساماندهی کنند.(ممتحنه، آیات ۸ تا ۱۰؛ انبیاء، آیه ۳)

جریان نفاق و نفوذ در این محافل که حتی با پوشش‌های مذهبی چون مساجد ساماندهی شده(توبه، آیه ۱۰۷) گرد هـــم می‌آیند تا همه اطلاعات و داده‌های امنیتی خویش را با هم تبادل کرده و پس از تبادل آراء در خلوت به خدمت شیاطین جنی و انسی در آمده و با آنان برای تخریب وجاهت اســـلام و رهبری و تضعیف ایمان مومنان و قدرت و قوت و شوکت نیروهای اسلام و مجاهدان اقدامات ایذایی را به کار گیرند.(بقره، آیه ۱۴)

بیشتر محافل آنان مخفی از چشم مردم و در شبانگاهان است و آنان گمان می‌کنند چون مردم خفته‌اند، خدا نیز از محافل آنان آگاهی ندارد؛ در حالی که هماره خدا در کمین آنها اســـت و به مومنان به اشکال گوناگون امداد می‌رساند و آنان را از شرشـــان در امان نگه می‌دارد. اینان در ظاهر به امت و رهبری خیانت می‌کنند، ولی در باطن به خودشـــان خیانت می‌کنند(نساء، آیه ۱۰۷)؛ چرا که هرگز اعمال نهان و مخفی‌شان از خدا مخفی نیست و خدا برآن احاطه کامل دارد؛ چنانکه در قرآن می‌فرماید: يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا؛ آنها زشتکاری خود را از مردم پنهـــان می‌دارند؛ اما از خدا پنهان نمی‌دارند و هنگامی که در مجالس شـــبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود، خـــدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (نساء، آیه ۱۰۸)

**تقی رحمتی**

# راه رهایی عقل اســـیر

قلب انسان توانایی آن را دارد که تعقل(حج، آیه ۴۶) و تفقه (اعراف، آیه ۱۷۹) داشته باشد؛ اما اگر قلب سلامت خود را از دست بدهد و به سبب گناهان و فجور، گرفتار زنگارگرفتگی(مطففین، آیه ۱۴) یا مهرخوردگی(توبه، آیه ۸۷؛ بقره، آیه ۷) یا مرض و قســـاوت(حج، آیه ۵۳) و مانند آنها شـــود، دیگر نمی‌تواند آن وظیفه اصلی خویش را در تعقل و تفقه انجام دهد و در عقل نظری و عقل عملی به جای رشد، به سفاهت می‌گراید و قدرت تشخیص را نیز از دست می‌دهد و به جای اجرای دستورات اسلام هواهای نفسانی را خدای خویش قرار می‌دهد که بت‌پرستی و انسان‌پرستی و دیگر انواع آن از مصادیق همین هواپرستی است؛ زیرا نمی‌خواهد کسی جز هواهای نفسانی‌اش و خواسته‌های دلش به او امر و نهی کند و قوانین وضع کند و اندیشه و انگیزه‌اش را راهنمایی کند.(بقره، آیات ۷ تا ۱۵ و ۱۳۰؛ حجرات، آیه ۷؛ حج، آیه ۴۶؛ اعراف، آیه ۱۷۹؛ محمد، آیه ۱۶؛ توبه، آیه ۸۷)

این‌گونه است که قلب مریض و گرفتار قساوت و مهرخوردگی، بصیرت و بینایی خودش را از دست می‌دهد و هواهای نفسانی علائق و انگیزه‌هایش را ساماندهی می‌کند.(حج، آیه ۴۶)

از نظر آموزه‌های قرآن، چنین شـــخصی به جایی می‌رسد که عقل نظری و عملی او در خدمت هواهای نفسانی قرار می‌گیرد؛ البته قوای الهی از میان نمی‌رود و تبدیل و تحویلی در آن راه نمی‌یابد (اسراء، آیه ۷۷؛ احزاب، آیه ۶۲)، اما به سبب تغییر نفس(رعد، آیه ۱۱؛ انفال، آیه ۵۳)، قوای آن تغییر می‌یابد و نفس قدرت تعقل و تفقه خود را از دست می‌دهد و این‌گونه تحت مدیریت هواهای نفسانی از غضب و شهوت می‌رود؛ امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: کَم مِن عَقلٍ أَسِیرٍ تَحتَ هَوَی أَمِیرٍ؛ و چه بسیار عقل‌ها که در چنگال هوا و هوس‌های حاکم بر آنها، اسیرند.(شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۱) برای رهایی عقل اسیر از یوغ حاکمیت هواهای نفسانی باید به مجاهدت پرداخت؛ چنانکه پیامبر(ص) می‌فرماید: جَاهِدوا أَهوَاءَکم کَمَا تجَاهِدونَ أَعدَاءَکم؛ علیه هواهای نفس خویش جهاد کنید، همان‌طور که علیه دشمنان خودتان جهاد می‌کنید.(المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۱۰۱) بنابراین، بدون جهاد علیه هواهای نفسانی نمی‌توان عقل را از اسارت آنها رهایی بخشید، بلکه لازم است انسان هواهای نفسانی را به اسارت گرفته و عقل را از اسارت رها سازد تا بتواند در اندیشه و انگیزه به تعقل و تفقه بپردازد و اهداف عالی را تامین کند و خود را به کمالات برساند.

**مجید مرشدی**

## چراغ راه

### تهذیب نفس، لازمه تحصیل حکمت

**قال‌الامام الهادی(ع): «الحکمهٌ لاتنجع فی‌الطباع الفاسده»**

امـــام هادی(ع) فرمود: حکمت و معرفت در طبع و زمینه درونی فاســـد تاثیر نمی‌گذارد! [1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷

## حکایت خوبان

### نفی رهبانیت در اسلام

روایت شـــده که همســـر عثمان ابن مظعون نزد رسول خدا(ص) آمد و گفت: ای رســـول خدا! عثمان کارش این شده که روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها را به عبادت می‌گذراند، رسول خدا(ص) با شنیدن این خبر خشمناک بیرون شد تا نزد عثمان آمد.

حضرت او را مشـــغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر(ص) نمازش را سلام داد. پیامبر(ص) به او فرمود: ای عثمان! خداوند متعال مرا به رهبانیت نفرستاده بلکه با آیین مســـتقیم و ساده و آسان‌گیر فرستاده است. من هم نماز می‌خوانم، هم روزه می‌گیرم و هم نزد همسرم می‌روم. پس هرکه آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از سنت من نزد همسران رفتن است. [1]

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۴۹۴

## پرسش و پاسخ

### ویژگی‌های علم عرفان

**پرسش:**

**عرفان چیست و عرفا چه تفاوتی با سایر دانشمندان علوم دیگر دارند؟**

**پاسخ:**

#### تعریف عرفان

یکی از علومی که در دامن فرهنگ اســـلامی زاده شد و رشد یافت و تکامل پیدا کرد، علم عرفان است. درباره عرفان از دو جنبه می‌توان بحث و تحقیق کرد: یکی از جنبه اجتماعی و دیگر از جنبه علمی و فرهنگی. بحث ما در اینجا فقط درباره عرفان به عنوان یک علم و یک بخش فرهنگی اســـت. عرفان به عنوان یک دستگاه علمی و فرهنگی دارای دو بخش است: ۱- بخش نظری ۲- بخش عملی.

#### ۱- عرفان نظری

عرفان نظری مربوط اســـت به تفسیر هستی یعنی تفسیر خدا و جهان و انسان. عرفان در این بخش مانند فلســـفه است و می‌خواهد هستی را تفسیر نماید و البته با فلســـفه تفاوت‌هایی در روش رسیدن به حقایق دارد. همچنان که فلسفه الهی برای خود موضوع، مبادی و مسائلی معرفی می‌کند، عرفان نیز موضوع و مسائل و مبادی معرفی می‌نماید. ولی البته فلســـفه در استدلالهای خود تنها به مبادی و اصول عقلی تکیه می‌کند، و عرفان مبادی و اصول به اصطلاح کشـــفی را مایه استدلال خود قرار می‌دهد و آنگاه آنها را با زبان عقل توضیح می‌دهد. به بیان دیگر عارف آنچه را که با دیده دل و با تمام وجود خود کشف و شهود کرده است با زبان عقل توضیح می‌دهد.

#### ۲- عرفان عملی

بخش عملی عرفان عبارت است از آن قسمت که روابط و وظایف انسان را با خودش و با جهان و با خدا بیان می‌کند و عرفان در این بخش مانند اخلاق است، یعنی یک علم عملی است، و لذا علم سیر و سلوک هم نامیده می‌شود. در بخش عملی عرفان توضیح داده می‌شـــود که سالک برای اینکه به قله رفیع انسانیت یعنی توحید برسد، از کجـــا باید آغاز کند و چه منـــازل و مراحلی را باید به ترتیب طی کند و در منازل بین راه چه احوالی برای او رخ می‌دهد و چه خطورات و وارداتی بر او وارد می‌شـــود، و البته هم این منازل، مقامات و مراحل باید با اشـــراف و مراقبت یک انســـان کامل و مرشد پخته که قبلا این راه را طی کرده و از راه و رسم منزل‌ها و مقامات آگاه است صورت گیر